انواع بانک‌های بدون ربا

سیّد عباس موسویان*

چکیده

گذشت بیست سال از تصویب و اجرای قانون عملیات بانکداری بدون‌ربا، فرصت‌مناسبی برای مطالعه و ارزیابی آن است. توجّه کارشناسی در ابعاد نظری و اجرایی بانکداری بدون ربای ایران نشان می‌دهد خلاها و اشکالاتی وجود دارد که می‌توان با اصلاح و تکمیل آن‌ها، گام‌های مؤثّری در اصلاح ساختار نظام بانکی برداشت.

یکی از اشکالات محوری که زمینه‌ساز اشکالات نظری و اجرایی فراوانی در عرصهٔ بانکداری شده، تفکّر جایگزینی یک به یک بانکداری بدون ربا با بانکداری متعارف ربوی است. اندیشه‌وران مسلمان از جمله طرّاحان بانکداری بدون ربای ایران، در صدد این بودند که الگوی جامع و واحدی طرّاحی کنند تا بتوانند جایگزین کامل بانکداری متعارف باشد و از این نکتهٔ اساسی غفلت کرده‌اند که اسلام با تحریم قرض با بهره، انواعی از معامله‌های حقیقی چون بیع نسیه، سلف، تنزیل، اجاره، جعاله، شرکت، مضاربه، مزارعه، مساقات و صلح را تأیید کرده که ماهیت‌های به طور کامل متفاوتی دارند و در یک قالب مالی نمی‌گنجد. روشن است که جمع کردن این معامله‌های متنوّع با احکام و ضوابط گوناگون در قالب سازمان مالی به‌نام بانک، سبب پیچیده و مبهم شدن عملیات، صوری شدن قراردادها، بالا رفتن هزینه‌های نظارت و کنترل و سرانجام غیرکارا شدن نظام بانکی می‌شود.

برای حلّ این مشکلِ ریشه‌ای، در این مقاله، با توجّه به اهداف و مسؤولیت‌های نظام بانکی، و با توجّه به اهداف، انگیزه‌ها و روحیات مشتریان بانک (سپرده‌گذاران، متقاضیان تسهیلات) و با توجّه به احکام فقهی معامله‌ها و طبقه‌بندی خاصّ آن‌ها، چهار

---

* استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی.

نوع بانک بدون ربا به عناوین «بانک‌های قرض الحسنه»، «بانک‌های مبادله‌ای با سود ثابت»، «بانک‌های مشارکتی با سود متغیّر» و «بانک‌های جامع» پیشنهاد می‌شود. ویژگی این بانک‌ها در مشروعیت بیش‌تر، قابلیت اجرایی بالاتر و پایین بودن هزینه‌های عملیاتی آن‌ها است که در مقاله توضیح داده شده است.

مقدّمه

گذشت بیست سال از تصویب و اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا فرصت مناسبی برای ارزیابی نظام جدید بانکی است. بررسی ابعاد نظری و کارکردی نظام جدید نشان می‌دهد خلاها و اشکالات فراوانی وجود دارد که می‌توان با اصلاح و تکمیل، گام‌های مؤثّری در کارآمد کردن نظام برداشت.

یکی از اشکالات محوری که زمینه‌ساز مشکلات اجرایی شده، تفکّر جایگزینی یک به یک بانکداری بدون ربا با بانکداری ربوی است. اندیشه‌وران اسلامی در صدد بودند که الگوی واحدی را اجرا، و جایگزین الگوی بانکداری ربوی کنند و از این نکتهٔ اساسی غفلت ورزیده‌اند که اسلام، با تحریم قرض ربوی، انواع معاملاتی را تأیید کرده که در قالب واحدی نمی‌گنجند و هر یک، مقتضای خود را دارند؛ چنان که در طرّاحی الگوی جایگزین، به تنوّع نیازها، انگیزه‌ها و روحیات ده‌گذاران و متقاضیان تسهیلات بانکی توجّه نشده و همهٔ این مطالب باعث شده است بانک، به فروشگاه‌های بزرگی تبدیل شود که در قسمتی از آن، فعّالیت‌های غیرانتفاعی در قالب قرارداد قرض‌الحسنه صورت می‌پذیرد. در بخش دیگر، همانند مؤسّسات بخت‌آزمایی، تبلیغات گسترده‌ای برای جوایز دارند. در بخش سوم، همانند بازار کالاها و خدمات، معامله‌ها بیع نسیه، سلف، اجاره و جعاله دارند و در بخش چهارم، همانند بازار سرمایه، به سرمایه‌گذاری مستقیم، مشارکت حقوقی (خرید و فروش سهام) و مشارکت مدنی اقدام می‌کنند و در گوشه‌ای دیگر، همانند صرّافان به تنزیل سفته و برات دست می‌زنند و جالب این که با این تنوّع فعّالیت‌ها نمی‌توانند به همهٔ نیازها به صورت حقیقی پاسخ دهند؛ در نتیجه، بخشی از معاملات، صوری و ساختگی می‌شود، و بخشی از نیازها بی‌پاسخ می‌ماند.

در این مقاله سعی می‌شود با ارائهٔ مقدّماتی مانند ماهیت بانکداری متعارف، ماهیت و مقتضای عقود اسلامی و تنوّع نیازها، انگیزه‌ها و روحیات مشتریان بانک، گونه‌هایی از بانک‌های بدون ربا ارائه شود که در عین استقلال کارکردی و عملی، در مجموع، مکمّل هم بوده، نظام بانکی منسجمی را تشکیل می‌دهند.

ماهیت بانکداری متعارف (ربوی)

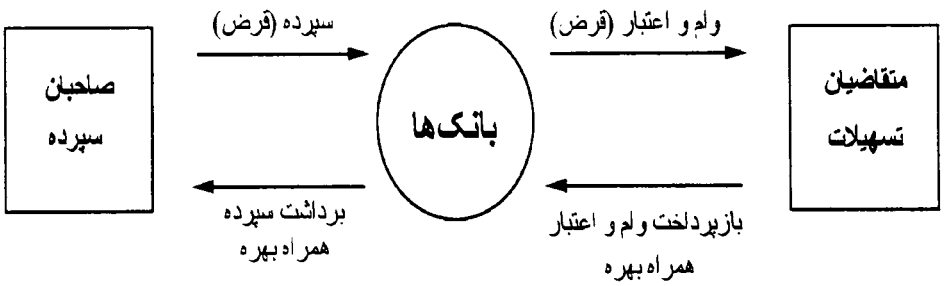
در بانکداری متعارف، چه در تجهیز منابع و چه در اعطای تسهیلات، از رابطهٔ حقوقی قرض استفاده می‌شود. بانک‌های تجاری و تخصّصی با افتتاح انواع سپرده‌های جاری، پس‌انداز و مدّت‌دار، وجوه مازاد بر نیاز اشخاص حقیقی و حقوقی را جذب می‌کنند و متعهّد می‌شوند مطابق مقرّرات حساب‌های مذکور، اصل و فرع آن‌ها را به صاحبان سپرده برگردانند؛* سپس بانک‌ها، با رعایت ذخایر قانونی و احتیاطی، منابع حاصل از سپرده‌ها را به صورت وام و اعتبار، در اختیار بنگاه‌های اقتصادی و خانوارها قرار می‌دهند و در سررسید یا سررسیدهای معیّن، اصل و فرع (بهره) آن‌ها را بازپس می‌گیرند. مطابق قوانین بانکی کشورهایی که نظام بانکداری متعارف در آن‌ها حاکم است، سپرده‌گذار با تحویل وجوه به بانک، مالکیت خود را از آن‌ها قطع کرده، آن‌ها را به مالکیت بانک در می‌آورد و رابطهٔ او با بانک، رابطهٔ بستانکار و بدهکار است و در مقابل، بانک بازپرداخت مبلغ سپرده را مطابق مقرّرات متعهّد می‌شود (موسویان، ۱۳۸۰: ۵۳ و ۵۴)؛ نتیجه این که در بانکداری متعارف، سپرده‌گذاران هیچ مسؤولیتی در برابر فعّالیت‌های بانک ندارند و نتایج عملیات بانکی سود باشد یا ضرر، برای آنان فرقی ندارد؛ چرا که بانک متعهّد است در هر وضعیتی، اصل سپرده و بهرهٔ آن را در موعد مقرّر به سپرده‌گذار بپردازد. این رابطهٔ حقوقی در فقه اسلامی (امام خمینی، ۱۴۱۶: ۵۹۹/۱) و قانون مدنی (امامی، ۱۳۷۷: ۱۹۳/۲)؛ قرض ربوی شناخته می‌شود.

در بخش اعطای تسهیلات نیز وقتی بانک، منابع خود را به صورت وام و اعتبار در اختیار متقاضی قرار می‌دهد، رابطهٔ مالکیتی خود را از آن‌ها قطع کرده، به مالکیت متقاضی در می‌آورد و او متعهّد می‌شود در سررسید یا سررسیدهای معیّن، اصل مبلغ و بهرهٔ آن را به بانک برگرداند، و این رابطهٔ حقوقی، هم در قوانین کشورهای گوناگون که بر اساس بانکداری متعارف عمل می‌کنند و هم در فقه و حقوق اسلامی، قرض ربوی شناخته می‌شود (موسویان، همان: ۵۸ ـ ۶۰).

در تحلیلی ساختاری می‌توان گفت: در بانکداری متعارف، سه گروهِ سپرده‌گذاران، بانک و متقاضیان تسهیلات، از نظر اقتصادی و حقوقی به طور کامل مستقل از هم هستند. بانک‌ها، اعمّ از بانک‌های عمومی یا تخصّصی، صرفاً به صورت واسطهٔ وجوه عمل می‌کنند. از یک طرف، وجوه مازاد بر نیاز اشخاص حقیقی و حقوقی را به صورت قرض (سپرده بانکی) می‌گیرند و از طرف دیگر، همان وجوه را به صورت قرض (وام و اعتبار) به بنگاه‌ها و خانوارها می‌پردازند.

---

* شایان ذکر است که بهرهٔ سپرده‌های جاری در غالب کشورها صفر است.



ویژگی‌های بانکداری متعارف

تجربهٔ بانکداری متعارف و ماهیت خاصّ آن، ویژگی‌هایی را برای بانکداری متعارف پدید آورده است.

۱. **جدایی از اقتصاد حقیقی:** در تاریخ بانکداری، به بانک‌هایی بر می‌خوریم که طبق اهداف برنامه‌ریزی شده یا در وضع خاصّ، وارد بازار حقیقی اقتصاد شده، در خرید و فروش‌های بازار کالاها و سرمایه، نقش ایفا می‌کردند یا از طریق خرید سهام به سرمایه‌گذاری دست می‌زدند؛ امّا طولی نکشید که این گروه از بانک‌ها، یا تعطیل شدند یا تغییر روش داده ،به واسطه‌گری وجوه بسنده کردند و به تدریج، عدم ورود بانک‌ها به فعّالیت‌های واقعی اقتصاد، به صورت قانون درآمد. در قانون پولی و بانکی ایران پیش از انقلاب نیز (مصوّب ۱۸ تیرماه ۱۳۵۱) بانک‌های تجاری از سرمایه‌گذاری، خرید و فروش کالا و خرید اموال غیرمنقول منع شده بودند. (ضیائی، ۱۳۷۲: ۷۵۱/۲)

۲. **اختصاص به مشتریان متعارف و ریسک‌گریز:** همزمان با فاصله‌گرفتن بانکداری متعارف از اقتصاد حقیقی و گرایش تخصّصی به واسطه‌گری وجوه، به تدریج نرخ‌های بهرهٔ ثابت و از قبل تعیین شده در معامله‌های بانکی چه در طرف تجهیز منابع و چه در طرف تخصیص منابع، حاکمیت یافت و این امر باعث شد در طرف سپرده‌ها، آن گروه از صاحبان پس‌انداز را که روحیات ریسک‌پذیری دارند و حاضرند برای نرخ‌های بالاترِ سود، درجاتی از ریسک را بپذیرند، از دست بدهند؛ چنان که در طرف متقاضیان تسهیلات، آن دسته از بنگاه‌ها را که دنبال مؤسّساتی مالی بودند که افزون بر تأمین منابع مالی در ریسک سرمایه‌گذاری هم شریک شوند از دست دادند، و نتیجه این شد که این دو گروه از صاحبان پس‌انداز و متقاضیان تسهیلات، به بازار دیگری به نام بازار سهام و سرمایه روی آورند و این زمینه شد تا کنار بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، و بازار سهام و ... شکل گیرد و بانک‌ها به گروه‌های خاصّی از مشتریان اختصاص یابند و فعّالیت‌های بانکی به‌صورت شفّاف، از بازارهای سرمایه، و مشتریان بانک‌ها، از مشتریان بازار سرمایه جدا شوند.

حکمت و محدودهٔ تحریم ربا در اسلام

اقتصاد عربستان، به ویژه مکّه در صدر اسلام، اقتصاد وابسته به تجارت بود. تاجران عرب، کالاهای ایرانی و هندی را از بندرهای یمن خریده، در بندرهای شام به رومیان می‌فروختند و برعکس، کالاهای آنان را از بندرهای شام تهیّه کرده، در یمن، به ایرانیان و هندیان می‌فروختند و در هر سال، دو سفر مهمّ تجاری داشتند که در قرآن از آن‌ها یاد شده است.*

یکی از راه‌های اصلی تأمین سرمایهٔ تجاری، قرض ربوی بود. ثروتمندان عرب افزون بر نیازمندان که جهت تأمین نیازمندی‌های زندگی وام می‌گرفتند، به بازرگانانی هم که سرمایهٔ کافی در اختیار نداشتند، قرض ربوی می‌دادند. این افراد به طمع این که از راه بازرگانی می‌توانند به سودی بیش‌تر از بهرهٔ پول دست یابند، وام می‌گرفتند. (بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱: ۷۹).

گستردگی عملیات ربا و عادت مردم به آن روش، به حدّی بود که وقتی آیات تحریم ربا نازل شد، برخی از مسلمانان نمی‌خواستند از آن دست بردارند تا این که آیهٔ شدیداللّحنی نازل شد و ادامه‌دهندگان ربا را به جنگ با خدا و رسول خدا فراخواند (علّامه طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۲۲/۲).

از مطالعهٔ احادیثی که به فلسفه و حکمت تحریم ربا ناظر هستند، این نتیجهٔ کلّی را می‌توان استفاده کرد که اسلام در بخش نیازمندان، با تحریم ربا درصدد گسترش صدقات و قرض‌الحسنه، و در بخش فعّالیت‌های سودآور درصدد واقعی کردن فعّالیت‌ها و سودها از طریق معامله‌ها و تجارت‌های حقیقی است.

هشام بن حکم از امام‌صادق علیه‌السلام دربارهٔ علّت تحریم ربا پرسید. امام فرمود:

> اگر ربا حلال بود، مردم تجارت و معامله را که به آن نیاز دارند، ترک می‌کردند؛ پس خداوند، ربا را حرام کرد تا مردم از حرام به سوی حلال، و از ربا به سوی تجارت و دادوستد روی آورند (عاملی، ۱۳۷۱: ۱۲ / ۴۳۰).

محمد بن سنان نیز از امام‌رضا علیه‌السلام نقل می‌کند:

> ... علّت تحریم ربا، از بین رفتن کارهای نیک، نابودی اموال و گرایش مردم به سودجویی و رهاکردن قرض است؛ حال آن که قرض، از کارهای نیک به شمار می‌رود (حرّ عاملی، همان: ۴۲۵/۱۲).

در برخی آیات قرآن نیز به این حکمت‌ها اشاره شده است.

> خدا، بیع و تجارت را حلال و ربا را حرام کرد (بقره (۲): ۲۷۵).
>
> خداوند، ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد (بقره (۲): ۲۷۶).

---

* لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ إِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ. قریش (۱۰۶): ۱ و ۲.

بنابراین، هدف اسلام از تحریم ربا، نادیده‌گرفتن سود سرمایه و کسب درآمد از طریق به کارگیری سرمایهٔ نقدی نیست؛ بدین سبب، معامله‌های سودآوری چون بیع، اجاره، مضاربه، شرکت، مزارعه، و مساقات را که همه یا بخشی از سود، از آنِ سرمایه است می‌پذیرد؛ بلکه هدف، حذف روش خاصّی از سود سرمایه به نام ربا است که در آن، سود از فعّالیت واقعی نشأت نمی‌گیرد؛ بلکه از صرف قرارداد قرض ناشی است به این معنا که در قرض ربوی، قرض‌دهنده بدون این که در سرمایه‌گذاری حقیقی مشارکت کند و بدون این که در تجارت واقعی داخل شود، فقط از طریق قرارداد، سود به دست می‌آورد و با این کار، بخشی از سود اقتصاد واقعی را که حاصل زحمات شرکت‌کنندگان بخش واقعی اقتصاد است، به خود اختصاص می‌دهد و این ظلم است که به سبب آن، ربا حرام شده است (بقره (۲): ۲۷۹).

اسلام با تحریم ربا، این پیام را به همگان اعلام می‌دارد که یگانه راه کسب سود از طریق سرمایه، وارد شدن در اقتصاد واقعی و از طریق معامله‌های حقیقی است.

اسلام و قراردادهای مالی

از روزی که انسان، به زندگی اجتماعی احساس نیاز کرد و به داشتن روابط با همنوع خود علاقه‌مند شد، به تناسب نیاز و وضع اجتماعی، قراردادها و پیمان‌هایی را ابداع کرد. این قراردادها گرچه در ابتدای پیدایی ساده و کم بودند، با مرور زمان، توسعهٔ کمّی و کیفی یافتند و هر چه زمان پیش‌تر می‌رود، بر تنوّع و تکامل آن‌ها افزوده می‌شود. از آن جا که دین اسلام به عصر و زمان خاصّی اختصاص ندارد، بدون اصرار بر قرارداد خاصّی، اهداف خود را در بخش معاملات، طیّ چند مرحله عملی ساخت.

۱. وجوب احترام به عهد و پیمان‌ها

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به پیمان‌ها و قراردادها وفا کنید (مائده (۶): ۱).

با توجّه به این که واژهٔ «العقود» در آیهٔ شریفه، جمع دارای الف و لام است و جمله نیز اطلاق دارد، آیه دلیل بر وجوب وفا به تمام پیمان‌هایی است که میان افراد انسان با یک‌دیگر یا افراد انسان با خدا بسته می‌شود، و مفهومی کاملاً گسترده دارد که بر تمام جنبه‌های زندگی انسان، اعمّ از عقیده و عمل ناظر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۲۴۴/۴)؛ بنابراین، مسلمانان مطابق این آیهٔ شریفه، موّظف شدند به تمام عهد و پیمان‌هایی که بین خود می‌بندند، ملتزم باشند؛ به طوری که پیامبر اکرمﷺ می‌فرماید:

لادین لمن لا عهدله؛

آن کس که به پیمان خود وفادار نیست، دین ندارد (مجلسی، ۱۳۷۴: ۱۴۴/۱۶)

۲. عقلایی و اختیاری بودن قراردادها

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یک‌دیگر را به باطل نخورید، مگر این که تجارتی باشد که با رضایت شما انجام گیرد (نساء (۴): ۲۹).

این آیه، زیربنای قوانین اسلامی در مسائل مربوط به معامله‌ها و مبادلات مالی را تشکیل می‌دهد، و به همین دلیل، فقیهان اسلام در تمام ابواب معامله‌ها به آن استدلال می‌کنند. قسمت نخست آیه، خطاب به افراد با ایمان می‌گوید: «اموال یک‌دیگر را از طریق نابجا و غلط و باطل نخورید»؛ یعنی آیه، هر گونه تصرّف در مال دیگری بدون وجود قرارداد عقلایی را ممنوع ساخته، همه را تحت عنوان «باطل» که مفهوم گسترده‌ای دارد، قرار داده است و قسمت دوم آیه، قانون کلّی دیگری را به صورت جملهٔ استثنایی بیان می‌کند:

مگر این که تصرّف شما در اموال دیگران از طریق پیمان تجاری باشد که از رضایت و اختیار دو طرف سرچشمه بگیرد؛

بنابراین، تمام مبادلات مالی و انواع تجارت‌ها که میان مردم رایج است، چنان چه از روی رضایت دو طرف صورت گیرد و جنبهٔ معقول و منطقی داشته باشد، از نظر اسلام مجاز است. (مکارم شیرازی، همان: ۳۵۵/۳).

۳. تعیین ضوابط کلّی

از آن جا که انسان، افزون بر بُعد عقلانی، ابعاد عاطفی، احساسی و کشش‌های نفسانی نیز دارد، گاه در اعمال و رفتار از مسیر عقل و عقلانیت فاصله گرفته، دچار اختلاف و تشتت می‌شود. در این موارد، خداوند از باب رحمت و شفقت، انسان‌ها را به سوی آن چه صلاح و رستگاری است هدایت می‌کند.

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم، مگر برای این که آن چه را در آن اختلاف دارند، برای آن‌ها روشن کنی و [این قرآن] مایهٔ هدایت و رحمت است برای قومی که ایمان می‌آورند (نحل (۱۶): ۶۴).

دین اسلام با همین فلسفه، ضوابطی را برای حفظ مصالح کلّی انسان‌ها و عقلایی کردن روابط مالی، تشریع، و برای مسلمانان ابلاغ کرده است که مهمّ‌ترین آن‌ها عبارتند از: اهلیّت طرفین معامله، خالی بودن معامله‌ها از ضرر، خالی بودن معامله‌ها از غرر، و خالی بودن معامله‌ها از ربا.*

* برای توضیح و استدلال هریک از ضوابط، به کتاب‌های استدلالی فقهی مراجعه شود.

در یک نتیجه‌گیری کلّی می‌توان گفت: در هر زمانی، هر قراردادی که بر اساس یکی از نیازهای واقعی شکل می‌گیرد در صورتی که از دید مردم، عقلایی و اختیاری باشد و ضوابط کلّی شرعی را رعایت کند، مورد تأیید اسلام خواهد بود.

انواع معاهده‌های مالی

معاهده‌های مالی را می‌توان از ابعاد گوناگون تقسیم کرد. در این قسمت با توجّه به هدف مقاله، معاهده‌های مالی را ابتدا به دو گروه انتفاعی و غیرانتفاعی تقسیم کرده؛ سپس با تقسیم معاهده‌های انتفاعی به دو گروه مبادله‌ای و مشارکتی، از هر گروه به توضیح فشردهٔ معاهده‌های مورد نیاز در عملیات بانکی می‌پردازیم.

۱. معاهده‌های غیرانتفاعی

دین اسلام، انواعی از معاهده‌های مالی غیرانتفاعی را تأیید و در مواردی به آن‌ها سفارش می‌کند، و برای آن‌ها پاداش دنیایی و آخرتی در نظر گرفته است؛ معاهده‌هایی چون صدقه، هبه، عاریه، ودیعه، وقف و قرض بدون بهره، از این گروه به شمار می‌آیند. از این گروه فقط عقد قرض است که می‌تواند در معامله‌های بانکی مطرح باشد.

قرارداد قرض در دین اسلام، از معاهده‌های غیرانتفاعی است و هر نوع اشتراط زیاده، ربا و ممنوع است.

در روایات معتبری از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

> ربای حرام، عبارت است از این که فردی به دیگری قرض دهد و شرط کند که بیش‌تر از آن چه گرفته، برگرداند. این همان ربای حرام است (عاملی، همان: ۴۵۴/۱۲).

نکتهٔ قابل توجّه این است که گاه هر نوع قرض بدون بهره‌ای به خطا قرض‌الحسنه قلمداد می‌شود؛* در حالی که مطابق روایات اسلامی، قرض‌الحسنه که ثواب بسیار بزرگی دارد، نوع خاصّی از قرض بدون بهره است که به قصد خیرخواهی و برای حمایت از نیازمندان داده می‌شود** و شامل همهٔ سپرده‌های جاری و قرض‌های صنفی رایج بین مردم نمی‌شود؛ گرچه آن‌ها نیز در صورت عدم وجود بهره، حلال هستند و گاهی از باب کمک به مؤمن ثواب دارند.

---

* در قانون بانکداری بدون ربای ایران، هر نوع قرض بدون بهره حتّی حساب جاری نیز قرض‌الحسنه نامیده شده است.

** امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «بر در بهشت نگاشته شده است: ثواب قرض، ۱۸ برابر، و ثواب صدقه ۱۰ برابر است: زیرا قرض فقط به نیازمند می‌رسد؛ ولی صدقه گاهی به غیرمحتاج داده می‌شود». (جامع احادیث الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۸۶)

۲. معاهده‌های انتفاعی

مقصود از معاهده‌های انتفاعی، آن گروه از قراردادهای مالی است که انسان‌ها برای به دست آوردن مال و ثروت به کار می‌گیرند و خود به دو گروه عمدهٔ معاهده‌های مبادله‌ای و مشارکتی تقسیم می‌شوند.

۲ـ۱. معاهده‌های مبادله‌ای

معاهده‌های مالی مبادله‌ای، به آن نوع قراردادهای مالی گفته می‌شود که در آن‌ها، اموال و منافعی در برابر پول یا مال دیگری مبادله می‌شود. این معاهده‌ها تنوّع بسیاری دارند؛ امّا تعداد معیّنی چون فروش اقساطی، فروش سلف، فروش دین (تنزیل)، اجاره به شرط تملیک و جعاله، قابلیت اجرا در نظام بانکی را دارند. این گروه از معامله‌ها ویژگی‌هایی دارند که در نظام بانکی، از سایر عقود متمایز می‌شوند.

ویژگی‌های معاهده‌های مبادله‌ای

۱. **مقطعی بودن معاهده‌ها:** معاهده‌های مبادله‌ای، پس از پایان قرارداد به پایان می‌رسند و دو طرف قرارداد، مسؤولیتی در برابر فعّالیت‌های اقتصادی و معامله‌های همدیگر ندارند؛ برای مثال، در قرارداد فروش اقساطی، فروشنده هیچ مسؤولیتی در قبال فعّالیت‌های اقتصادی خریدار ندارد. خریدار چه توانایی استفاده از کالاهای خریداری شده را داشته باشد یا نداشته باشد؛ بتواند سود انتظاری خود را از فعّالیت مذکور تحصیل کند یا نه، معامله از ناحیهٔ فروشنده، قطعی و تمام شده است. این وضعیت در اجاره، سلف و تنزیل نیز هست و با قدری تفاوت در جعاله هم وجود دارد.

۲. **رابطهٔ بدهکار و بستانکار:** پس از پایان معاهده‌های مبادله‌ای، رابطهٔ حقوقی متعاملین، رابطهٔ بدهکار و بستانکار است و پس از وفا به معاهده، این رابطه به پایان می‌رسد؛ برای مثال، پس از تحقّق فروش اقساطی و تحویل جنس به مشتری، فروشنده، بستانکار، و خریدار، بدهکار می‌شود و با پرداخت قیمت کالا در سررسیدهای مقرّر، رابطهٔ مذکور از بین می‌رود. همین مطلب با قدری تفاوت در دیگر معاهده‌های مبادله‌ای نیز جریان دارد.

۳. **قابلیت برای نرخ‌های ثابت و از قبل تعیین شده:** معامله‌های مبادله‌ای، قابلیت برنامه‌ریزی برای نرخ‌های سود ثابت و از قبل تعیین شده را دارند؛ برای مثال، یک بنگاه اقتصادی تصمیم می‌گیرد کالاهای خود را در سال مالی خاصّی با ده درصد سود بیش‌تر به صورت نسیهٔ اقساطی به فروش برساند یا املاک خود را با مبلغ معیّن به صورت اجاره به شرط تملیک واگذار یا اسناد تجاری را با نرخ معیّن تنزیل کند.

۴. **عدم نیاز به نظارت و کنترل:** لازمهٔ منطقی ویژگی‌های پیشین این است که پس از پایان قرارداد مالی، به نظارت و کنترل از طرف متعاقدین بر فعّالیت‌های اقتصادی همدیگر نیازی نباشد؛ چراکه نه

تحوّلات اقتصادی کلّ جامعه و نه تدابیر مدیریتی بنگاه مربوط، هیچ تأثیری در مبالغ قرارداد ندارد.

۲ـ۲. معاهده‌های مشارکتی

معاهده‌های مالی مشارکتی، به آن نوع قراردادهای مالی گفته می‌شود که دو طرف قرارداد، در اصل مالکیت و سود و زیان فعّالیت اقتصادی، یا در خصوص سود و زیان فعّالیت اقتصادی با هم شریک می‌شوند. عقودی چون مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه و مساقات از این نوع هستند. این عقود نیز ویژگی‌هایی دارند.

ویژگی‌های معاهده‌های مشارکتی

۱. مستمر بودن قرارداد: معاهده‌های مشارکتی، برخلاف مبادله‌ای، ماهیتی استمراری دارند و تا پایان فعّالیت اقتصادی و سررسید معاهده، قرارداد، استمرار دارد؛ برای مثال، وقتی چند نفر جمع شده، از طریق مشارکت مدنی، سرمایهٔ فعّالیت اقتصادی را تأمین می‌کنند تا زمانی که فعّالیت مذکور ادامه دارد و شرکت منحل نشده، قرارداد استمرار دارد. همین وضعیت در دیگر معاهده‌های مشارکتی نیز وجود دارد.

۲. مشارکت در نتایج سود و زیان: در معاهده‌های مشارکتی، دو طرف یا اطراف قرارداد (شُرکا) به تمام حوادث و پیامدهای مثبت و منفی فعّالیت اقتصادی ملتزم هستند، اگر نتیجهٔ فعّالیت، سود سرشار بود، برای همه توزیع می‌شود و اگر ضرر بود، برای همه است و اگر هیچ چیز نبود، نتیجه، متوجّه همه می‌شود.

۳. متغیّر بودن سود: مقدار سود صاحبان شرکت، تحت تأثیر متغیّرهای اقتصادی کلّ جامعه و متغیّرهای تأثیرگذار بر خصوص بنگاه مربوطه قرار دارد؛ در نتیجه، در ابتدای سال مالی، گرچه می‌توان با توجّه به پارامترهای گوناگون، دامنهٔ سود انتظاری را پیش‌بینی کرد، سود تحقّق یافته در پایان دورهٔ مالی مشخّص می‌شود.

۴. نیاز به نظارت و کنترل: نتیجهٔ منطقی ویژگی‌های پیشین این است که شریکان و صاحبان فعّالیت اقتصادی برای استیفای کامل حقوق خود، به صورت پیوسته و مستمر جریان هزینه‌ها و درآمدها را نظارت و کنترل کنند؛ چون احتمال انواع اشتباه‌های مالی و خیانت وجود دارد.

اهداف، انگیزه‌ها و روحیات مشتریان بانک

بانک‌ها با دو گروه عمده از مردم به نام صاحبان سپرده و متقاضیان تسهیلات در ارتباطند و این افراد، اهداف، انگیزه‌ها و روحیات گوناگونی دارند. نظام بانکی باید با طرّاحی انواع سپرده‌ها و شیوه‌های اعطای تسهیلات بتواند از یک سو تمام پس‌اندازها و وجوه مازاد مردم را جمع‌آوری کند و

از سوی دیگر بتواند به تمام نیازهای متقاضیان تسهیلات پاسخ مثبت دهد؛ بنابراین، لازم است اهداف، انگیزه‌ها و روحیات سپرده‌گذاران و گیرندگان تسهیلات شناسایی شود.

۱. اهداف و انگیزه‌های سپرده‌گذاران

در کشورهای اسلامی، مردم و مؤسّسه‌های حقیقی و حقوقی، با اهداف و انگیزه‌های گوناگونی در بانک‌ها سپرده‌گذاری می‌کنند که مهمّ‌ترین آن‌ها عبارتند از:

أ. حفظ و نگهداری وجوه: برخی از مردم، وجوه مازاد خود را در بانک‌ها سپرده‌گذاری می‌کنند تا در محلّ مطمئنّی حفظ شود و در مصارف آتی و غیرمترقّبه از آن‌ها استفاده کنند.

ب. تسهیل در مبادله‌های پولی: گروهی از مردم برای استفاده از خدمات بانکی در نقل و انتقال وجوه، سپرده‌گذاری می‌کنند.

ج. کسب سود: برخی از مردم به علل گوناگون نمی‌خواهند یا نمی‌توانند وجوه مازاد خود را سرمایه‌گذاری مستقیم کنند؛ در نتیجه، به هدف کسب سود، سپرده‌گذاری می‌کنند.

د. مشارکت در اعطای قرض‌الحسنه: برخی از مردم به ویژه مسلمانان، در سایهٔ تشویق‌های دینی دوست دارند بخشی از وجوه مازادشان را قرض‌الحسنه دهند؛ امّا نمی‌خواهند یا نمی‌توانند به صورت مستقیم عمل کنند و ترجیح می‌دهند این امر مهمّ را از طریق مؤسّسه‌های معتبری چون بانک‌ها انجام دهند.

هـ. کمک به عمران و آبادانی کشور: مردم فهمیده و اندیشه‌ور هر کشوری علاقه دارند وجوه مازاد خود را در اختیار بانک‌ها بگذارند تا از طریق دستان توانمند به جریان افتد و زمینهٔ رشد و توسعهٔ کشور فراهم آید.

روشن است که اهداف پیشین با هم قابل جمع‌هستند. تنها هدف مشارکت در اعطای قرض‌الحسنه است که با هدف کسب سود سازگار نیست و سپرده‌گذار باید یکی از آن دو را با اهداف دیگر برگزیند.

۲. روحیات سپرده‌گذاران

به طور معمول، آن گروه از سپرده‌گذاران بانک که با هدف کسب سود سپرده‌گذاری می‌کنند، از جهت روحیه به سه گروه تقسیم می‌شوند: گروه نخست، افراد به طور کامل ریسک‌گریز هستند و دوست دارند بانک سود مشخّص و از قبل تعیین شده‌ای را به آنان بپردازد. گروه دوم، افراد به طور کامل ریسک‌پذیر هستند و حاضرند برای سود انتظاری بالاتر، درجه‌هایی از ریسک و مخاطره را بپذیرند و سرانجام گروه سوم، افراد متعارف و معمولی هستند که تغییرات سود را تا حدّی

می‌پذیرند و تا حدودی ریسک را قبول دارند؛ امّا نباید میزان آن از اندازهٔ مشخّصی تجاوز کند؛ برای مثال اگر بانک اعلان کند برای سپرده‌های خاصّی X ± ۱ درصد سود می‌دهد، تحمّل می‌کنند؛ امّا اگر این نرخ، به X ± ۳ برسد، ترجیح می‌دهند با آن بانک تصفیه حساب کنند.

۳. اهداف و روحیات گیرندگان تسهیلات

متقاضیان تسهیلات بانکی، به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: گروه نخست، متقاضیان تسهیلات برای تأمین نیازمندی‌های مصرفی چون خرید کالاهای اساسی هستند. این گروه ترجیح می‌دهند با نرخ‌های ثابت و از قبل تعیین شده معامله کنند تا بتوانند برای بازپرداخت اقساط ماهیانه از محلّ درآمدشان برنامه‌ریزی کنند. گروه دوم، سرمایه‌گذاران اقتصادی هستند که برای تأمین یا تکمیل سرمایهٔ بنگاه اقتصادی تقاضای تسهیلات می‌کنند. این گروه از مشتریان از جهت روحیه به سه دسته تقسیم می‌شوند: دستهٔ اوّل افراد ریسک‌پذیرند و ترجیح می‌دهند خود عهده‌دار تمام مخاطره‌های بنگاه اقتصادی باشند و کسی را در جایگاه شریک نمی‌پذیرند و ترجیح می‌دهند با بانک‌هایی کار کنند که با قراردادهای مبادله‌ای و با نرخ‌های ثابت و از قبل تعیین شده تسهیلات می‌دهند. دستهٔ دوم، افراد ریسک گریزند و ترجیح می‌دهند تا جایی که می‌توانند مخاطره‌های سرمایه‌گذاری و فعّالیت اقتصادی را به دیگران منتقل کنند؛ در نتیجه، در تأمین سرمایهٔ نقدی نیز سراغ مؤسّسه‌هایی می‌روند که در ریسک بنگاه مشارکت کنند. دستهٔ سوم، افراد متعارف و معمول هستند و ترجیح خاصّی ندارند و متناسب با وضعیّت روز و مصالح بنگاه تصمیم می‌گیرند و به طور معمول ترکیبی از دو نوع بدهی را دارند. بخشی از سرمایه مورد نیازشان را از مؤسّسه‌های مشارکتی و بخشی دیگر را از طریق بانک‌ها و مؤسّسه‌های مالی با سود ثابت تهیه می‌کنند.

نقد و بررسی بانکداری بدون ربای ایران

تجزیه و تحلیل قانون و عملکرد بانکداری بدون ربای ایران به بحث طولانی نیاز دارد. در این مقاله فقط برای رسیدن به الگوی پیشنهادی، شیوه‌های تجهیز و تخصیص منابع را با توجّه به اهداف، انگیزه‌ها و روحیات مشتریان بانک نقد و بررسی می‌کنیم.

۱. شیوه‌های تجهیز منابع

مطابق مواد سه تا شش قانون عملیات بانکداری بدون ربا، سه نوع سپردهٔ قرض‌الحسنهٔ جاری، قرض‌الحسنهٔ پس‌انداز و سپردهٔ سرمایه‌گذاری مدّت‌دار برای بانک‌ها تعریف شده که هر سه با توجّه به مطالب پیش‌گفته قابل نقد است.

۱ـ۱. سپردهٔ قرض‌الحسنهٔ جاری

از آن جا که انگیزهٔ سپرده‌گذاران این حساب، حفظ و نگهداری وجوه و تسهیل در مبادله‌های پولی از طریق خدمات بانکی است، به‌کارگیری واژهٔ «قرض‌الحسنه» درست نیست. گویا اطلاق این واژه بر این حساب‌ها، از این پندار سرچشمه می‌گیرد که هر قرض بدون بهره‌ای قرض‌الحسنه است؛ در حالی که این درست نیست. مطابق مضمون آیات و روایات، قرض‌الحسنه هنگامی معنا می‌یابد که قرض دهنده برای کسب پاداش معنوی به فرد نیازمندی قرض بدون بهره می‌دهد؛ بنابراین اگر قرض‌دهنده با اغراض دیگری چون حفظ پول، تسهیل در معامله، نقل و انتقال وجوه و ... مبلغی را به بانک یا غیر آن بسپارد، اگر چه قرض بدون بهره و از نظر اسلام مجاز و مشروع است، عنوان «قرض‌الحسنه» بر آن صدق نمی‌کند و بیش‌تر سپرده‌گذاران حساب جاری، با چنین اغراضی سرمایه‌های نقدی خود را به بانک‌ها می‌سپارند.

۱ـ۲. سپردهٔ قرض‌الحسنه پس‌انداز

حساب‌های پس‌انداز، از سپرده‌های رایج نظام‌های بانکی، و ویژگی آن این است که اشخاص، وجوه مازاد خود را به چنین حسابی واریز کرده، در برابر آن، دفترچهٔ پس‌انداز می‌گیرند تا هنگام نیاز، دریافت کنند. در بانک‌های سنّتی به طور عموم به آن‌ها بهره تعلّق می‌گیرد. در بانکداری بدون ربا، پرداخت بهره ممنوع است؛ امّا برای تشویق سپرده‌گذاران، جوایزی در نظر می‌گیرند. این جوایز از طریق قرعه، بین صاحبان حساب توزیع می‌شود. از آن جا که گروهی از صاحبان این نوع سپرده‌ها، افزون بر حفظ و نگهداری وجوه، قصد کمک به اعطای قرض‌الحسنه و شرکت در ثواب معنوی دارند، اطلاق سپردهٔ قرض‌الحسنه بر این بخش از حساب‌ها بجا است؛ امّا گروهی دیگر از مردم قصد دارند افزون بر حفظ و نگهداری پول، درآمدی نیز از طریق سپرده‌هایشان داشته باشند؛ در نتیجه بانکداری بدون ربا در پوشش دادن نیاز این گروه در مقایسه با بانکداری سنّتی، کم دارد و مسألهٔ اعطای جوایز اوّلاً به جهت تصادفی بودن نمی‌تواند در همگان انگیزه پدید آورد و ثانیاً هزینه‌های تبلیغاتی سنگینی را نیز بر بانک تحمیل می‌کند.

۱ـ۳. سپردهٔ سرمایه‌گذاری مدّت‌دار

مطابق قانون، بانک‌ها، وجوه سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدّت‌دار را در قالب حقوقی عقد وکالت تحویل گرفته، در جایگاه وکیل سپرده‌گذاران، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معامله‌های اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معامله‌های سلف و جعاله و تنزیل (خرید دین) به کار می‌گیرند. بانک‌ها اصل سپرده‌ها را تعهّد یا بیمه، و منافع حاصل از عملیّات

مذکور را طبق قرارداد مناسب با مدّت و مبلغ سپرده با رعایت سهم منابع بانک پس از کسر هزینه‌ها و حقّ‌الوکاله بین صاحبان سپرده تقسیم می‌کنند.

چنان‌که از ماهیّت عملیّات پیدا است، سود بانک و به تبع آن، سود سپرده‌گذاران، به سود حاصل از معامله‌های پیش‌گفته بستگی کامل دارد و سود برخی از آن معامله‌ها چون مشارکت، مضاربه، مزارعه و مساقات، در پایان دورهٔ مالی مشخّص می‌شود و از قبل قابل تعیین نیست؛ در نتیجه، سود کلّ بانک از قبل قابل تعیین نبوده، به سود بنگاه‌های اقتصادی بستگی خواهد داشت؛ بنابراین، سپردهٔ سرمایه‌گذاری مدّت‌دار در بانکداری بدون ربا بر فرض که بتواند نظر افراد ریسک‌پذیر جامعه را جلب کند، برای آن گروه از سپرده‌گذاران که ریسک‌گریز و در پی کسب درآمد ثابت برای سرمایهٔ نقدی خود هستند، راهکاری ندارد.

نتیجهٔ کلّی این که در بانکداری بدون ربا، برای آن گروه از سپرده‌گذارانی که می‌خواهند از طریق حساب پس‌انداز و سپردهٔ مدّت‌دار درآمدی ثابت داشته باشند، راه‌کاری نیست و سپرده‌ای تعریف نشده است.

۲. شیوه‌های تخصیص منابع

مطابق قانون عملیات بانکداری بدون ربا و آیین‌نامه‌های اجرایی، بانک‌ها می‌توانند وجوه حاصل از انواع سپرده‌های بانکی را از طریق شیوه‌های دوازده‌گانهٔ سرمایه‌گذاری مستقیم، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه، مساقات، فروش اقساطی، سلف، اجاره به شرط تملیک، جعاله، خرید دین و قرض‌الحسنه به کار گیرند.

توجّه به ماهیت فقهی و اقتصادی شیوه‌های مذکور نشان می‌دهد که این شیوه‌ها قابلیت دارند همهٔ متقاضیان تسهیلات بانکی را با تمام اهداف و انگیزه‌ها و روحیات پوشش دهند. متقاضیان تسهیلات مصرفی و سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر می‌توانند از شیوه‌های فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، جعاله، خرید دین و قرض‌الحسنه استفاده کنند؛ چنان که متقاضیان تسهیلات سرمایه‌گذاری معمول و ریسک‌گریز می‌توانند از طریق شیوه‌های دیگر، تقاضای تسهیلات کنند.

در مقام عمل، در بیست‌سال گذشته به عللی چون نبود ساختار مناسب سازمانی، تعدّد بیش از حدّ شیوه‌های اعطای تسهیلات برای همهٔ بانک‌ها و شعب، نبود سیستم نظارتی مناسب، عدم رعایت تخصّص در فعّالیت‌های بانکی و نبود آموزش مناسب، وقایع ذیل در اعطای تسهیلات رخ داده است.

أ. رشد کمّی عقود با بازده ثابت: مطالعهٔ عملکرد نظام بانکی نشان می‌دهد که سهم عقود با بازده ثابت (فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف و جعاله) به طور پیوسته افزایش یافته است؛ به طوری که امروزه نزدیک به ۷۰ درصد تسهیلات اعطایی بانک‌ها از طریق این شیوه‌ها است.

ب. **تغییر ماهیت عقود مشارکتی**: مطالعهٔ نوع قراردادهای مشارکت مدنی و مضاربه نشان می‌دهد که در این قراردادها، توجّه چندانی به سودهای واقعی و تحقّق یافتهٔ فعّالیت‌های اقتصادی نمی‌شود؛ بلکه بانک با احتساب سود انتظاری که به طور معمول از طرف شورای پول و اعتبار اعلان می‌شود، به صورت سود تحقّق یافته، قراردادها را تنظیم و از مشتری مطالبه می‌کند؛ نتیجه این که نظام بانکی در عمل، فقط توانسته تقاضای آن دسته از مشتریان راکه دنبال تسهیلات با سود ثابت هستند بر آوَرَد و راهکاری برای آن دسته از متقاضیان تسهیلات که به دنبال شریک واقعی برای بنگاه اقتصادی خود هستند، ارائه نمی‌کند.

الگوی پیشنهادی

حال با بهره‌گیری از تجربه‌های چند صد سالهٔ صنعت بانکداری و تجربهٔ بیست‌سالهٔ نظام بانکی کشور و تجربه‌های بانک‌های اسلامی کشورهای دیگر، چهار نوع بانک به نام بانک‌های قرض‌الحسنه، بانک‌های مبادله‌ای (با سود ثابت)، بانک‌های مشارکتی (با سود متغیّر) و بانک‌های جامع پیشنهاد می‌شود. بانک‌های نوع اوّل تا سوم در عین حال که هر یک، نیازهای خاصّی را با بهره‌گیری از شیوه‌های خاصّی برآورده می‌کنند، در مجموع، مکمّل هم بوده، نظام پولی و بانکی کاملی را شکل می‌دهند؛ چنان که بانک‌های جامع، به تنهایی نظام کاملی برای پاسخگویی به همهٔ انواع فعّالیت‌های پولی و بانکی است.

پیش از تشریح عملیات هر یک از بانک‌ها، یادآوری دو نکته ضرورت دارد.

۱. هدف از تشریح عملیات انواع بانک‌ها، ارائهٔ شرح اجمالی از فعّالیت‌ها است و گرنه توضیح کامل هر یک و بیان مبانی فقهی و اقتصادی آن‌ها به تحقیق گسترده‌ای نیاز دارد.

۲. انواع چهارگانهٔ بانک‌ها که در الگوی پیشنهادی آمده، با توجّه به وضع فعلی اقتصاد ایران است. که از یک طرف، مؤسّسه‌های مالی خیریّه و بازار سرمایهٔ به روز و فعّالی وجود ندارد و از طرف دیگر، بانک نهادی جاافتاده و قابل اعتماد برای مردم است. احتمال دارد با گسترش بازارهای مالی و مؤسّسه‌های مالی خیریه، به تدریج بانک‌های قرض‌الحسنه به مؤسّسه‌های گستردهٔ خیریّه و عام‌المنفعه، و بانک‌های مشارکتی به مؤسّسه‌های مالی گستردهٔ بازار سرمایه تبدیل شوند و فعّالیت بانک‌ها در نوع دوم یعنی بانک‌های مبادله‌ای متمرکز شود.

۱. بانک‌های قرض‌الحسنه

این بانک‌ها چنان‌که از اسمشان پیدا است، بر اساس قرارداد قرض‌الحسنه که مورد ترغیب و تشویق جدّی اسلام است، فعّالیت می‌کنند و عملیات ساده و روانی خواهند داشت.

۱ـ۱. تجهیز منابع

سپرده‌گذاران این بانک‌ها، آن گروه از مردم مسلمانند که به قصد مشارکت در ثواب معنوی اعطای قرض‌الحسنه، در بانک‌های مذکور سپرده‌گذاری می‌کنند. این بانک‌ها دو نوع حساب سپرده خواهند داشت.

أ. سپردهٔ جاری قرض‌الحسنه: این حساب به مشتریانی اختصاص دارد که قصد دارند افزون بر استفاده از خدمات حساب جاری، ماندهٔ سپردهٔ جاری شان در امور خیر و رفع مشکل مالی نیازمندان به صورت قرض‌الحسنه به‌کار گرفته شود.

ب. سپردهٔ پس‌انداز قرض‌الحسنه: این حساب به مشتریانی اختصاص دارد که قصد دارند افزون بر حفظ و نگهداری وجوهشان در یک مؤسّسه مطمئن، ماندهٔ پس‌اندازشان در امور خیر و رفع مشکل مالی نیازمندان به صورت قرض‌الحسنه به کار گرفته شود.

بانک‌های قرض‌الحسنه با افتتاح حساب‌های مذکور، سپردهٔ مشتریان را به صورت قرض بدون بهره تحویل می‌گیرند و متعهّد می‌شوند عندالمطالبه، کلّ یا بخشی از موجودی حساب را به صاحبان آن‌ها برگردانند. به این حساب‌ها سود و بهره‌ای پرداخت نمی‌شود و در حقیقت، صاحبان حساب، ارزش زمانی پولشان را به نیازمندان می‌بخشند و در مقابل، ثواب آخرتی قرض‌الحسنه را به دست می‌آورند.

۱ـ۲. تخصیص منابع

بانک‌های قرض‌الحسنه، منابع حاصل از سپرده‌های جاری و پس‌انداز قرض‌الحسنه را پس از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی، به صورت قرارداد قرض‌الحسنه دراختیار نیازمندان قرار می‌دهند و به صورت اقساط ماهانه، آن‌ها را بازپس می‌گیرند. بانک‌های قرض‌الحسنه، برای تأمین هزینه‌های جاری می‌توانند کلّ هزینه‌های اجرای عملیات قرض‌الحسنه را محاسبه، و به تناسب مبالغ تسهیلات، کارمزد دریافت کنند.

فعّالیت‌های بانک‌های قرض‌الحسنه

تجهیز منابع			تخصیص منابع		
نوع سپرده	رابطهٔ حقوقی	سود	نوع تسهیلات	رابطهٔ حقوقی	سود
۱. سپردهٔ جاری	قرض‌الحسنه	صفر	وام	قرض‌الحسنه	کارمزد واقعی عملیات
۲. سپردهٔ پس‌انداز	قرض‌الحسنه	صفر			

چند تذکّر مهم دربارهٔ بانک‌های قرض‌الحسنه

۱. امروزه مؤسّسه‌ها و صندوق‌های بسیاری به نام قرض‌الحسنه فعّالیت می‌کنند؛ امّا به علل گوناگون، کمّیت و کیفیت فعّالیت آن‌ها قابل نظارت و کنترل نیست. حال وقت آن رسیده که دولت جمهوری اسلامی ایران در جایگاه حکومت اسلامی، برای حمایت و گسترش صحیح نهاد مقدّس قرض‌الحسنه اقدام کند و این صندوق‌ها و مؤسّسه‌های پراکنده را در قالب سازمان مستقل و تعریف‌شده‌ای به صورت قانونمند اداره کند و با توجّه به ویژگی پول آفرینی چنین مؤسّسه‌هایی بهترین شکل سازمان آن‌ها قرار گرفتن در قالب نظام بانکی با نظارت رسمی بانک مرکزی است.

۲. با گشایش چنین بانک‌هایی، خیلی از مؤسّسه‌های دولتی و خصوصی که به صورت‌های گوناگون به اعضا و مراجعه‌کنندگان خود وام قرض‌الحسنه می‌دهند، وجوهشان را به این بانک‌ها منتقل، و افراد مورد نظرشان را برای گرفتن وام قرض‌الحسنه معرّفی می‌کنند؛ چنان که دولت می‌تواند با انتقال وجوهی که برای اقشار آسیب‌پذیر و حوادث غیرمترقبه در نظر می‌گیرد، فعّالیت‌های خیرخواهانهٔ خود را در قالب این بانک‌ها برنامه‌ریزی کند.

۳. برای تشویق سپرده‌گذاران می‌توان افزون بر ارائهٔ رایگان خدمات حساب‌های جاری و پس‌انداز، امتیازهای ذیل را در نظر گرفت.

أ. اولویت در استفاده از وام‌های قرض‌الحسنهٔ بانک هنگام نیاز متناسب با عملکرد حساب؛

ب. معرّفی افراد نیازمند به بانک برای گرفتن وام قرض‌الحسنه، متناسب با عملکرد حساب؛

ج. برخورداری از جوایز معنوی چون سفرهای زیارتی که به‌صورت قرعه‌کشی به سپرده‌گذاران تعلّق می‌گیرد.

۴. جوایزی که این بانک‌ها برای سپرده‌گذاران در نظر می‌گیرند، باید اوّلاً جوایز معنوی باشند تا نیّت ثواب اعطای قرض‌الحسنه و انگیزه‌های معنوی جامعه را از بین نبرد. ثانیاً این جوایز از محلّ کارمزد وام‌های قرض‌الحسنه نباشد؛ چون از یک طرف سبب بالا رفتن هزینهٔ کارمزد می‌شود و از طرف دیگر، شبههٔ شرعی می‌یابد. بهترین منبع برای تأمین این جوایز، دولت و مؤسّسه‌های خیریه چون کمیته امداد، و سازمان بهزیستی است؛ چون هر چه حجم سپرده‌ها افزایش یابد، منابع بانک در تأمین نیازمندان جامعه بیش‌تر، و مسؤولیت دولت و مؤسّسه‌های مذکور در برابر اقشار محروم کم می‌شود.

۲. بانک‌های مبادله‌ای (با سود ثابت)

این بانک‌ها چه در طرف جذب سپرده‌ها و چه در طرف اعطای تسهیلات به گونه‌ای عمل می‌کنند که از گیرندگان تسهیلات بانکی سودی ثابت و از قبل تعیین شده می‌گیرند و به صاحبان سپرده (غیر دیداری) سودی ثابت و از قبل تعیین شده می‌پردازند. برای رسیدن به این هدف لازم

است اوّلاً روابط شرعی تعریف شود تا بانک بتواند بر اساس آن روابط، سپرده و اعطای تسهیلات با سود ثابت را جذب کند ثانیاً با تدابیر فنّی به گونه‌ای رفتار کند که بتواند رقم‌های اعلام‌شده را تحقّق بخشد.

۲ـ۱. تجهیز منابع

این بانک‌ها دارای سه نوع حساب سپرده به شرح ذیل خواهند بود.

أ. سپردهٔ جاری

این حساب از جهت ماهیّت حقوقی و روش کار، همانند سپردهٔ جاری در بانک‌های سنّتی خواهد بود و همانند آن‌ها خدمات حساب جاری را در اختیار صاحبان حساب می‌گذارد بدین ترتیب که اشخاص و مؤسّسه‌ها، با افتتاح حساب از طریق دسته چکی که از بانک می‌گیرند، از موجودی حساب خود طبق مقرّرات بانک استفاده می‌کنند.

استفاده از حساب جاری، افزون بر حفظ پول در بانک، سبب تسهیل پرداخت‌ها می‌شود و از آن جا که برای چنین حساب‌هایی بهره پرداخت نمی‌شود می‌توان از رابطهٔ حقوقی قرض بدون بهره (نه قرض‌الحسنه) استفاده کرد و در این صورت، وجوه فراهم شده از ناحیهٔ این حساب‌ها به مالکیّت بانک درآمده، جزو منابع بانک خواهد بود و بانک‌ها می‌توانند با رعایت ذخایر قانونی و احتیاطی، از باقیماندهٔ وجوه در اعطای تسهیلات کوتاه‌مدّت استفاده کنند.

ب. سپردهٔ پس‌انداز با سود ثابت

با استفاده از عقود شرعی می‌توان سپردهٔ پس‌اندازی با سود مشخّص و ثابتی طرّاحی، و جایگزین سپردهٔ پس‌انداز بانکداری سنّتی کرد. برای این حساب، راه‌هایی تصوّر می‌شود که یکی از آن‌ها بدین قرار است:

افراد با مراجعه به بانک، وجوه مازاد بر نیاز خود را به‌صورت عقد وکالت در بانک سپرده‌گذاری می‌کنند و به بانک وکالت می‌دهند تا وجوه آنان را به همراه دیگر وجوه حاصل از سپردهٔ پس‌انداز (به‌صورت مشاع) فقط از طریق عقود با بازده ثابت (فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، جعاله و خرید دین) به جریان انداخته، سود مشخّص و ثابتی را برای آنان به‌دست آورد.

بانک، هر ساله با مطالعهٔ کشش و ظرفیّت بازار، نرخ مشخّصی را برای تسهیلات اعطایی از طریق معامله‌های نسیه، اجاره به شرط تملیک، سلف، جعاله و خرید دین اعلام می‌کند؛ سپس با توجّه به توان مدیریّتی خود، چند درصد از آن نرخ کم کرده، بقیه را برای صاحبان سپرده اعلام می‌دارد؛ در نتیجه، سپرده‌گذار به بانک وکالت می‌دهد تا سپردهٔ او را از طریق معامله‌های مذکور به جریان انداخته، از سود حاصل، درصد مشخّصی را به صاحب سپرده بپردازد و بقیّه را به صورت

حقّ‌الوکاله بردارد؛ برای مثال، بانک می‌بیند اگر نرخ اعطایی تسهیلات از طریق معامله‌های مذکور، ۱۵ درصد باشد، با محاسبهٔ نرخ ذخیرهٔ قانونی و ذخایر احتیاطی می‌تواند از کلّ منابع، ۱۰ درصد سود به‌دست آورد. حال با توجّه به این رقم، ۳ درصد را حقّ‌الوکاله و پوشش هزینه‌های اتّفاقی در نظر گرفته، اعلام می‌کند در سال ۱۳۸۲ برای سپرده‌های پس‌انداز، ۷ درصد سود می‌پردازد. سپرده‌گذار نیز با توجّه به رقم اعلام شده و با توجّه به ماهیّت فقهی سپردهٔ پس‌انداز، با افتتاح حساب، به بانک وکالت می‌دهد وجوه او را همراه دیگر وجوه در عقود مذکور به‌کار گرفته، ۷ درصد سود به او بپردازد و بقیّه را به‌صورت حقّ‌الوکاله و هزینه‌های اتّفاقی بردارد.

ج. سپردهٔ سرمایه‌گذاری با سود ثابت

برخی از مردم قصد دارند از طریق سپردهٔ بانکی درآمد کسب کنند و به جهات روحیّات خاصّ حاضر نیستند ریسک‌بپذیرند. در بانکداری سنّتی، بانک‌ها با طرّاحی سپرده‌های مدّت‌دار، به تقاضای این گروه از سپرده‌گذاران پاسخ می‌دهند؛ امّا در بانکداری بدون ربای ایران، راهکاری برای این گروه ارائه نشده است. این‌جا نیز می‌توان همانند سپردهٔ پس‌انداز با استفاده از عقود شرعی، راهکارهای مناسبی ارائه داد و آسان‌ترین و مشروع‌ترین راه‌کار، همان است که در سپردهٔ پس‌انداز گذشت؛ یعنی افراد با مراجعه به بانک، بخشی از وجوه مازاد بر نیاز مصرفی خود را در اختیار بانک می‌گذارند و به بانک وکالت می‌دهند وجوه آنان را به همراه دیگر وجوه به‌دست آمده از این حساب، به نحو مشاع، فقط از طریق عقود با بازده ثابت (فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، جعاله و فروش دین) به جریان انداخته، سود مشخّص و ثابتی را نصیب سپرده‌گذاران کند.

اگر مثال سپردهٔ پس‌انداز را برای سپردهٔ سرمایه‌گذاری با بازده ثابت مطرح کنیم، بانک مشاهده می‌کند که اگر نرخ اعطای تسهیلات از طریق معامله‌های مذکور، ۱۵ درصد باشد، با محاسبهٔ نرخ ذخیرهٔ قانونی و احتیاطی که طبق قاعده، در سپرده‌های سرمایه‌گذاری کم‌تر است می‌تواند ۱۲/۵ درصد سود در مقایسه با کلّ منابع به‌دست آورد. حال اگر ۲/۵ درصد به‌صورت حقّ‌الوکاله و پوشش هزینه‌های اتّفاقی در نظر بگیرد (از آن جا که این سپرده‌ها در مقایسه با سپرده‌های پس‌انداز، ثبات بیش‌تری دارند، مراجعهٔ مشتریان کم‌تر و مدیریّت سپرده‌ها آسان‌تر است و طبق قاعده، حقّ‌الوکاله کم‌تری لازم دارد)، بانک اعلام می‌کند به‌طور مثال، در سال ۸۲ به سپرده‌های سرمایه‌گذاری با سود ثابت، ۱۰ درصد سود می‌پردازد. سپرده‌گذار نیز با توجّه به رقم مذکور و با توجّه به ماهیّت فقهی این سپرده، با افتتاح سپردهٔ سرمایه‌گذاری با سود ثابت، به بانک وکالت می‌دهد تا سپردهٔ او را همراه دیگر سپرده‌های این حساب، در عقود با بازده ثابت به کار گرفته، ۱۰ درصد سود به او بپردازد و بقیّه را خود بانک به‌صورت حقّ‌الوکاله و هزینه‌های اتّفاقی بردارد.

انواع سپرده‌های سرمایه‌گذاری با سود ثابت

در بانکداری سنّتی به علل گوناگونی که توضیح آن‌ها خواهد آمد، سپرده‌های مدّت‌دار را به کوتاه مدّت (یکساله)، میان مدّت (دو و سه ساله)، و بلند مدّت (پنج ساله) تقسیم می‌کنند و برای آن‌ها نرخ بهره‌های متفاوت در نظر می‌گیرند؛ یعنی هر چه سپرده، مدّت‌دارتر باشد، نرخ بهرهٔ بیش‌تری به‌آن تعلّق می‌گیرد. ما نیز می‌توانیم چنین روشی را اعمال کنیم. از آن جا که اوّلاً نرخ ذخیرهٔ قانونی و احتیاطی این سپرده‌ها هر چه مدّت‌دارتر می‌شود، کاهش می‌یابد، بانک به تناسب، سود بیش‌تری از ناحیهٔ آن تحصیل می‌کند. ثانیاً هر چه سپرده، مدّت‌دارتر می‌شود، به جهت مراجعهٔ کم‌تر سپرده‌گذار و قابلیّت برنامه‌ریزی برای طرح‌های کلان، هزینهٔ کم‌تری برای بانک خواهد داشت؛ در نتیجه، به حقّ‌الوکالهٔ کم‌تری نیاز می‌یابد؛ پس به‌صورت منطقی و طبیعی، هر چه سپرده، مدّت‌دارتر شود، سود ناخالص بیش‌تر و حقّ‌الوکالهٔ کم‌تری خواهد داشت و بانک می‌تواند رقم بالاتری به سپرده‌گذار بپردازد؛ برای مثال اگر فرض کنیم بانکی پس از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی ماندهٔ خالص سپرده‌های پس‌انداز، سرمایه‌گذاری با سود ثابت یکساله، دو ساله، سه ساله و پنج ساله را با نرخ ۱۵ درصدی به‌صورت فروش نسیه، اجاره به شرط تملیک، تنزیل، سلف و جعاله اعطای تسهیلات کند، با توجّه به مفروض‌های پیشین، جدول ذیل را می‌توان برای بانک به‌دست آورد.

جدول سود سپردهٔ پس‌انداز و انواع سپرده‌های سرمایه‌گذاری با سود ثابت

نوع حساب	نرخ ذخیرهٔ قانونی	نرخ ذخیرهٔ احتیاطی	ماندهٔ خالص	سود حاصل در مقایسه با ماندهٔ خالص	سود حاصل در مقایسه با کلّ سپرده	حقّ‌الوکالهٔ بانک	سود خالص سپرده‌گذار
سپردهٔ پس‌انداز	٪۳۰	٪٤	٪٦٦	٪۱۵	٪۹/۹	٪۲/۹	٪۷
سپردهٔ سرمایه‌گذاری یکساله	٪۲۰	٪۳	٪۷۷	٪۱۵	٪۱۱/۵۵	٪۲/۵۵	٪۹
سپردهٔ سرمایه‌گذاری دوساله	٪۱۵	٪۲	٪۸۳	٪۱۵	٪۱۲/٤۵	٪۲/٤۵	٪۱۰
سپردهٔ سرمایه‌گذاری سه‌ساله	٪۱۰	٪۱	٪۸۹	٪۱۵	٪۱۳/۳۵	٪۲/۳۵	٪۱۱
سپردهٔ سرمایه‌گذاری پنج‌ساله	٪۵	۰	٪۹۵	٪۱۵	٪۱٤/۲۵	٪۱/۷۵	٪۱۲/۵

توضیح چند اشکال و ابهام

در سپردهٔ پس‌انداز با سود ثابت و سپردهٔ سرمایه‌گذاری با سود ثابت، بانک اعلام می‌کند که به سپرده‌گذاران، سود مشخّص و ثابتی را می‌پردازد و این مطلب، دو پرسش مهم را پیش می‌آورد: اوّلاً

بانک از کجا به تحصیل و اعطای چنین سودی اطمینان می‌یابد؟ ممکن است بانک به علل گوناگونی از جمله ناتوانی در اصل اعطای تسهیلات، و ناتوانی در وصول مطالبات نتواند به چنین رقمی دست یابد. ثانیاً آیا اعلام پرداخت سود ثابت به این سپرده‌ها، ممنوعیّت شرعی ندارد؟ در این بخش از مقاله، این دو پرسش را تحت عنوان «امکان پرداخت سود ثابت و مشرعیّت اعلان سود ثابت» بررسی می‌کنیم.

امکان پرداخت سود ثابت

مشکل و دغدغهٔ امکان تحصیل سود ثابت و معیّن و پرداخت آن (پس از کسر سود بانک) به سپرده‌گذاران، به الگوی پیشنهادی اختصاص ندارد؛ بلکه مشکل کلّ صنعت بانکداری به ویژه بانکداری سنّتی است. بانکداری سنّتی نیز براساس تجربه‌ها و شناختی که از بازار دارد، بهرهٔ معیّنی را برای وام‌ها و اعتبارهای بانکی در نظر می‌گیرد؛ سپس با کسر درصد معیّنی به‌صورت سود بانک، نرخ‌های ثابت و معیّنی را برای انواع سپرده‌ها اعلام می‌کند. طبیعی است که دغدغهٔ عدم تحصیل سود برنامه‌ریزی شده به علل گوناگون از جمله عدم امکان اعطای تسهیلات مطابق برنامهٔ پیش‌بینی شده و ناتوانی در تحصیل مطالبات، برای بانکداری سنّتی نیز وجود دارد. در بانکداری سنّتی، برای رفع این نگرانی و حصول اطمینان، شیوه‌های گوناگونی را اجرا می‌کنند که همهٔ آن‌ها در الگوی پیشنهادی قابل اجرا است.

۱. کنترل سپرده‌ها به روش دستوری

اگر بانکی احساس کند منابع حاصل از کلّ سپرده‌ها یا سپردهٔ خاصّی از مقدار برنامه‌ریزی شده بالاتر رفته یا احساس کند در اعطای تسهیلات، توفیق کم‌تری در برنامه دارد، به‌صورت آیین‌نامه‌ای، به شعبه‌های خود دستور می‌دهد افتتاح حساب یا افزایش موجودی در کلّ سپرده‌ها یا سپردهٔ خاصّی را برای مدّت زمان خاصّی (تا اطّلاع ثانوی) متوقّف کنند.

۲. کنترل سپرده‌ها به روش تغییر در نرخ سود

اگر بانکی احساس کند به علّت تغییرهای بازار نمی‌تواند با درصد معیّنی که برنامه‌ریزی کرده بود، تسهیلات اعطا کند و مجبور است نرخ سود تسهیلات را کاهش دهد، همزمان با اعلام کاهش نرخ سود تسهیلات، نرخ سود سپرده‌ها را نیز برای ماه‌های آینده کاهش می‌دهد و اعلام می‌دارد که به طور مثال، از اوّل ماه آینده، نرخ سود کلّ سپرده‌ها، یک یا چند درصد کاهش می‌یابد. به این ترتیب، از یک سو تقاضای تسهیلات را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر حجم سپرده‌ها کاهش می‌یابد.

۳. کنترل ترکیب منابع به روش تغییر در نرخ‌های انواع سپرده‌ها

گاهی بانک‌ها احساس می‌کنند که حجم کلّ سپرده‌ها مناسب است؛ امّا ترکیب آن‌ها مطابق برنامهٔ پیش‌بینی شده نیست. در این موارد، از طریق تغییر درصد سود پرداختی به انواع سپرده‌ها، ترکیب مطلوب را به‌دست می‌آورند؛ برای مثال اگر بانک احساس کند هزینهٔ سود پرداختی بالا است، درصد سود سپردهٔ پس‌انداز یا سپردهٔ سرمایه‌گذاری یکساله را قدری افزایش و درصد سود سپردهٔ بلند مدّت را کاهش می‌دهد؛ در نتیجه، بخشی از سپرده‌های بلندمدّت، به سپردهٔ کوتاه‌مدّت یا سپردهٔ پس‌انداز منتقل می‌شود و اگر بانکی به منابع با ثبات نیاز داشته باشد و بخواهد از حجم ذخایر احتیاطی بکاهد، برعکس روش پیشین، سود سپرده‌های پس‌انداز و کوتاه‌مدّت را کاهش، و سود سپرده‌های بلندمدّت را افزایش می‌دهد.

۴. خرید و فروش ابزارهای مالی با سود معیّن

بانک‌ها هر وقت احساس کردند منابع حاصل از سپرده‌های با سود ثابت، از برنامهٔ پیش‌بینی شده برای اعطای تسهیلات بیش‌تر شده است، به خرید ابزارهای مالی با سود ثابت از بازار بورس اقدام می‌کنند و بر عکس هر وقت احساس کنند برای اعطای تسهیلات به منابع بیش‌تر نیاز دارند، آن‌ها را می‌فروشند و از این طریق، در عین حال که از تراکم منابع مازاد جلوگیری می‌کنند، سود معیّنی را نیز برای منابع به دست می‌آورند.

۵. کنترل وصول مطالبات

بانک‌ها برای اطمینان از وصول مطالبات، به شیوه‌های گوناگونی چون گرفتن وثیقه و ضمانت‌های معتبر و گاه از طریق بیمه کردن موضوع تسهیلات اعطایی، مورد تخلّف را کاهش داده و به صفر نزدیک کرده‌اند و همهٔ این روش‌ها در الگوی پیشنهادی نیز قابل اجرا است؛ چنان که نرخ متّوسط تسهیلات سوخت شده را می‌توان جزو هزینه‌های بانک حساب کرد یا در حقّ‌الوکاله جای داد؛ نتیجه این که بانکداری مبادله‌ای همانند بانکداری سنّتی می‌تواند با اعمال روش‌های پیش‌گفته، از یک طرف ناتوانی در اعطای تسهیلات، و از طرف دیگر، ناتوانی در وصول مطالبات را از بین برده، به سود برنامه‌ریزی شده نزدیک شود و اگر هم در برنامه، تخلّفی باشد، چنان ناچیز خواهد بود که با انعطاف درصد حقّ‌الوکاله، قابل صرف‌نظر کردن است.

مشروعیّت اعلام سود ثابت

پرسش دوم که شاید در جوامع اسلامی مهمّ‌تر باشد، مشروعیت اعلام سود ثابت و معیّن برای سپرده‌ها از طرف بانک است. آیا تعریف ربا که عبارت از اشتراط سود (مازاد بر اصل سرمایه) در

قرارداد قرض است، بر این سپرده‌ها انطباق دارد؟ در پاسخ می‌گوییم:

اوّلاً طبق تعریف فقیهان، ربا در دو صورت پیش می‌آید: یکی در پرداخت هر نوع زیاده (ثابت یا متغیّر) بر اصل سرمایه در قرارداد قرض، و دوم، وجود زیادهٔ عینی یا حکمی در خرید و فروش اجناس ربوی (اجناسی که با وزن و پیمانه خرید و فروش می‌شود و عوضین معامله از یک جنس است) و چنان‌که در بیان ماهیّت فقهی سپردهٔ پس‌انداز و سپردهٔ سرمایه‌گذاری با سود ثابت گذشت، این دو نوع سپرده، نه قرض هستند و نه خرید و فروش اجناس ربوی؛ بلکه طبق تعریف، رابطهٔ سپرده‌گذار و بانک، رابطهٔ وکالت است و همانند جایی است که موکّل به وکیل خود می‌گوید: متاع مرا بفروش؛ فلان مبلغ را به من بده و بقیّه را به‌صورت حقّ‌الوکاله برای خودت بردار. اگر وکیل، این‌گونه معامله کند و متاع را بفروشد، طبق توافق، آن مبلغ را به صاحب متاع داده، بقیّه را کم باشد یا زیاد، به‌صورت حقّ‌الزحمه و حقّ‌الوکالهٔ خودش برمی‌دارد. بله، اگر وکیل نتواند کالا را بفروشد یا پس از فروش نتواند قیمت کالا را وصول کند، موکّل، حقّ مطالبه، و وکیل، تعهّد پرداخت مبلغ مذکور را نخواهد داشت؛ امّا با توجّه به اصول کنترلی پنجگانه‌ای که در صنعت بانکداری توضیح دادیم، این حادثه (ناتوانی در به‌کارگیری سپرده و ناتوانی در وصول مطالبه‌های بانکی) یا اصلاً رخ نمی‌دهد یا در حدّ بسیار ناچیزی است که اثرش در تغییر حقّ‌الوکاله ظاهر می‌شود، نه در مبلغ و سود مورد توافق.

ثانیاً بین تعهّد حقوقی و تضمین حقیقی فرق است و چیزی که ربا و حرام به‌شمار می‌رود، تعهّد حقوقی است و آن‌چه در سپرده‌ها رخ می‌دهد، تضمین حقیقی است به این بیان که گاه، شخص حقیقی یا حقوقی، از فرد یا مؤسّسه‌ای، مبلغی وجه نقد را گرفته، با قطع نظر از این که این مبلغ را راکد نگه دارد یا به‌کار گیرد، و با قطع نظر از این که محلّ مصرف آن مبلغ، هزینهٔ مصرفی باشد یا فعّالیت اقتصادی و با قطع نظر از این که فعّالیت اقتصادی، سودی داشته باشد یا نه، و اگر دارد، سودش قطعی و معیّن است یا احتمالی و نامعیّن، و با قطع نظر از این که برنامهٔ روشمندی برای تحصیل سود دارد یا نه، متعهّد می‌شود اصل سرمایه را همراه با زیادهٔ معیّنی برگرداند. این، تعهّد حقوقی و ربا است و تعریف ربا بر آن صدق می‌کند؛ امّا اگر طبق الگوی پیشنهادی، مؤسّسهٔ خاصّی مثل بانک با توجّه به تجربهٔ چندین ساله، برنامهٔ مشخّصی برای به‌کارگیری سپرده‌ها در عقود معیّن با سود معیّنی، و راهکارهای علمی و عملی برای کنترل و هدایت آن‌ها داشته باشد و برای وصول مطالبه‌ها، شیوه‌های متعدّد و آزموده شده‌ای را به‌کار گیرد، اطمینان عقلایی می‌یابد که در پایان هر دورهٔ مالی، چه اندازه سود خواهد داشت و اگر هم احتمال خطا می‌دهد، آن احتمال به اندازه‌ای است که به راحتی می‌تواند آن را در بخش انعطاف‌پذیر فرآیند، یعنی حقّ‌الوکاله قرار دهد. این تضمین

حقیقی است که به ربا ارتباطی نخواهد داشت (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۰: ۶۹).

۲ـ۲. تخصیص منابع

بانک‌های مبادله‌ای، منابع حاصل از سپرده‌های جاری، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری با سود ثابت را پس از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی، از طریق عقود با بازده ثابت فروش اقساطی، فروش سلف، فروش دین (تنزیل)، اجاره به شرط تملیک و جعاله به متقاضیان، اعطای تسهیلات می‌کند، و چنان که گذشت، سود حاصل از این مبادله‌ها ثابت و از قبل قابل تعریف و برنامه‌ریزی است. در پایان هر دورهٔ مالی، بانک، سودهایی را که به صاحبان سپرده‌های پس‌انداز و سرمایه‌گذاری وعده داده بود می‌پردازد و بقیه را به صورت حقّ‌الوکاله و سهم سود بانک از بابت منابع خود بانک و منابع مازاد سپرده‌های دیداری که بر اساس قرارداد قرض، به مالکیت بانک درآمده‌اند و سودشان متعلّق به بانک خواهد بود، برمی‌دارد.

فعالیت‌های بانک‌های مبادله‌ای

تجهیز منابع			تخصیص منابع		
نوع سپرده	رابطه حقوقی	سود	نوع تسهیلات	رابطه حقوقی	سود
۱. سپردهٔ جاری	قرض بدون بهره	صفر	۱. فروش اقساطی	بیع	ثابت
۲. سپردهٔ پس‌انداز	وکالت عام	ثابت	۲. فروش سلف	بیع	ثابت
۳. سپردهٔ سرمایه‌گذاری	وکالت عام	ثابت	۳. فروش دین	بیع	ثابت
			۴. اجاره به‌شرط تملیک	بیع ـ اجاره	ثابت
			۵. جعاله	جعاله	ثابت

۳. بانک‌های مشارکتی (با سود متغیّر)

این بانک‌ها در طرف تجهیز منابع، به آن گروه از سپرده‌گذاران مربوط می‌شود که به سود ثابت قطعی راضی نبوده، دنبال سود انتظاری بالاتری هستند و حاضرند برای به دست آوردن آن، درجه‌هایی از ریسک و مخاطره را بپذیرند و در طرف اعطای تسهیلات، به آن گروه از متقاضیان تسهیلات مربوط می‌شود که به دنبال شریک واقعی در تأمین سرمایهٔ مالی بنگاه اقتصادی هستند. بر این اساس باید روابط حقوقی مناسبی برای تجهیز و تخصیص منابع این بانک‌ها طرّاحی شود.

۳ـ۱. تجهیز منابع

برای بانک‌های مشارکتی نیز می‌توان سه نوع سپرده را به شرح ذیل در نظر گرفت.

أ. سپرده جاری

این سپرده از جهت ماهیت حقوقی و شکل کار، مانند سپردهٔ جاری بانک‌های مبادله‌ای خواهد بود. سپرده‌گذار، وجوه مازاد خود را در قالب عقد قرضِ بدون بهره به بانک تحویل می‌دهد و از خدمات حساب جاری استفاده می‌کند؛ وجوه سپرده‌گذاری شده به مالکیت بانک در می‌آید و بانک متعّهد می‌شود عندالمطالبه، کلّ یا بخشی از آن رابه سپرده‌گذار برگرداند.

ب. سپردهٔ پس‌انداز مشارکتی

این سپرده به آن گروه از مردم تعلّق دارد که به هدف حفظ و نگهداری وجوه مازادشان به بانک مراجعه می‌کنند و در عین حال، ترجیح می‌دهند برای ماندهٔ پس‌اندازشان سود واقعی دریافت کنند. بانک، وجوه مازاد سپرده‌گذار را به صورت عقد وکالت دریافت، و سپرده‌گذار، بانک را وکیل می‌کند که وجوه او را همراه با منابع دیگر بانک از طریق عقود شرعی که توضیح خواهیم داد، به جریان انداخته، در پایان پس از کسر بخشی از سود (برای مثال ۲۵ درصد سود) به صورت حقّ‌الوکاله، بقیه را به سپرده‌گذار بپردازد.

ج. سپردهٔ سرمایه‌گذاری مشارکتی

پیش‌تر گذشت که گروهی از مردم، دارای روحیّهٔ ریسک‌پذیر بوده، حاضرند برای رسیدن به درآمدهای بالاتر، ریسک‌های بالاتری را بپذیرند و گروهی از مردم، روحیّهٔ معتدلی داشته، حاضرند برای کسب درآمد بیش‌تر، درجه‌هایی از ریسک را تحمّل کنند. بانکداری سنّتی، راهکار مناسبی برای جذب سپرده‌های این افراد ندارد و در جوامع غربی، این افراد به سمت بازارهای سهام، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و ... کشیده می‌شوند. این در حالی است که بانکداری مشارکتی، برای تقاضای این دو گروه، راهکارهای مناسب دارد. بانکداری مشارکتی، طبق قانون می‌تواند منابع خود را از طریق عقود مشارکتی (مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، سرمایه‌گذاری مستقیم)، در فعّالیت‌های سودآور اقتصادی سرمایه‌گذاری، و در پایان دورهٔ مالی، سود حاصل از طریق این عقود را بین منابع تقسیم کند. روشن است که سود حاصل از عقود مشارکتی به تحوّلات آیندهٔ اقتصاد و میزان توفیق بنگاه اقتصادی بستگی دارد. بانکداری مشارکتی می‌تواند برای تأمین منابع این عقود، به راه‌اندازی سپردهٔ سرمایه‌گذاری مشارکتی اقدام کند به این بیان که سپرده‌گذار با افتتاح سپردهٔ سرمایه‌گذاری مشارکتی، به بانک وکالت می‌دهد تا سپردهٔ او را به همراه دیگر سپرده‌های این حساب (به نحو مشاع) از طریق عقود مشارکتی به کارگرفته، سود حاصل از فعّالیت را پس از کسر نسبتی از سود (به‌طور مثال ۱۰ درصد) به‌صورت حقّ‌الوکاله، به وی برگرداند.

انواع سپردهٔ سرمایه‌گذاری مشارکتی

سپرده‌های سرمایه‌گذاری مشارکتی نیز همانند سپرده‌های سرمایه‌گذاری با سود ثابت، به سپرده‌های یکساله، دو ساله، سه ساله، و پنج‌ساله قابل تقسیم است. در سپردهٔ سرمایه‌گذاری مشارکتی، حتّی می‌توان برای افراد به طور کامل ریسک‌پذیر، حساب ویژه گشود و سپردهٔ آن‌ها را در طرح یا صنعتی خاصّ سرمایه‌گذاری کرد. در این سپرده‌ها نیز هر چه مدّت سپرده‌گذاری طولانی باشد، به جهت ثبات بیش‌تر، به ذخیرهٔ قانونی و احتیاطی کم‌تری نیاز خواهد بود و به بانک امکان خواهد داد در طرح‌های بلندمدّت‌تر که سودآوری بیش‌تری دارند، سرمایه‌گذاری کند؛ چنان‌که به جهت کاهش مراجعهٔ سپرده‌گذار، هزینه‌های مربوط پایین است؛ در نتیجه بانک می‌تواند نسبت‌های متفاوتی از حقّ‌الوکاله را برای انواع سپرده‌های مذکور در نظر بگیرد.

بانکی را فرض می‌کنیم که انواع سپرده‌های پس‌انداز مشارکتی و سرمایه‌گذاری مشارکتی یکساله، دو ساله، سه ساله، و پنج ساله دارد و به ترتیب ۲۵، ۱۸، ۱۶، ۱۴، و ۱۰ درصدِ سود حاصله را به‌صورت حقّ‌الوکاله می‌گیرد. اگر این بانک، پس از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی حساب‌های مربوطه، ماندهٔ خالص را به جریان انداخته، از طریق عقود مشارکتی سرمایه‌گذاری کند و در پایان دورهٔ مالی، ۱۸ درصد سود متوسّط در مقایسه با منابع به‌کار رفته به‌دست آورد می‌توان جدول سود انواع حساب‌های سپرده سرمایه‌گذاری با سود متغیّر را به شرح ذیل به‌دست آورد.

جدول سود انواع سپرده‌های با بازده متغیر

نوع حساب	ذخیرهٔ قانونی	ذخیرهٔ احتیاطی	ماندهٔ خالص	سود حاصل در مقایسه با ماندهٔ خالص	سود در مقایسه با کلّ سپرده	حقّ‌الوکاله	سود خالص سپرده
سپردهٔ پس‌انداز مشارکتی	٪۳۰	٪٤	٪٦٦	٪۱۸	٪۱۲	٪۳	٪۹
سپردهٔ سرمایه‌گذاری یکساله	٪۲۰	٪۳	٪۷۷	٪۱۸	٪۱۳/۸٦	٪۲/٤۹	٪۱۱/۳۷
سپردهٔ سرمایه‌گذاری دوساله	٪۱۵	٪۲	٪۸۳	٪۱۸	٪۱٤/۹٤	٪۲/۳۹	٪۱۲/۵۵
سپردهٔ سرمایه‌گذاری سه‌ساله	٪۱۰	٪۱	٪۸۹	٪۱۸	٪۱٦/۰۲	٪۲/۲٤	٪۱۳/۷۸
سپردهٔ سرمایه‌گذاری پنج‌ساله	٪۵	۰	٪۹۵	٪۱۸	٪۱۷/۱	٪۱/۷۱	٪۱۵/۳۹

۳ـ۲. تخصیص منابع

بانک‌های مشارکتی، منابع حاصل از سپرده‌های جاری، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری مشارکتی را پس از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی از طریق شیوه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم، مشارکت حقوقی،

مشارکت مدنی و مضاربه و به متقاضیان، تسهیلات بانکی اعطا می‌کنند و در واقع، در فعّالیت اقتصادی آنان شریک می‌شوند؛ البتّه بانک‌های مشارکتی، برای پوشش دادن همهٔ نیازهای واحدهای اقتصادی لازم است در کنار شیوه‌های مشارکتی از عقد سلف و اجاره به شرط تملیک نیز استفاده کنند که بازده ثابت دارند؛ امّا بخش عمدهٔ فعّالیت‌ها از طریق شیوه‌های مشارکتی خواهد بود؛ در نتیجه، سود کلّ بانک و به تبع آن، سود سپرده‌گذاران، متغیّر و متأثّر از سود واقعی بنگاه‌های طرف قرارداد بانک و پروژه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خواهد بود.

فعّالیت‌های بانک‌های مشارکتی

تجهیز منابع			تخصیص منابع		
نوع سپرده	رابطهٔ حقوقی	سود	نوع تسهیلات	رابطهٔ حقوقی	سود
۱. سپردهٔ جاری	قرض بدون بهره	صفر	۱. سرمایه‌گذاری مستقیم	ـــ	واقعی
۲. سپردهٔ پس‌انداز	وکالت عام	متغیّر	۲. مشارکت حقوقی	شرکت	واقعی
۳. سپردهٔ سرمایه‌گذاری	وکالت عام	متغیّر	۳. مشارکت مدنی	شرکت	واقعی
			۴. مضاربه	مضاربه	واقعی
			۵. فروش سلف	بیع	ثابت
			۶. اجاره به‌شرط تملیک	بیع ـ اجاره	ثابت

۴. بانک‌های جامع

این نوع بانکداری که فقط برای بانک‌های بسیار بزرگ دولتی تناسب دارد، چه در طرف سپرده‌ها و چه در طرف اعطای تسهیلات، واجد همهٔ انواع سپرده‌ها و شیوه‌های اعطای تسهیلات به شرح ذیل است.

۴ـ۱. تجهیز منابع

أ. سپردهٔ جاری: ماهیت حقوقی این سپرده، قرض بدون بهره است و به مالکیت بانک در می‌آید و بانک با کسر ذخایر قانونی و احتیاطی می‌تواند از ماندهٔ این سپرده‌ها در اعطای تسهیلات کوتاه مدّت استفاده کند.

ب. سپردهٔ پس‌انداز قرض‌الحسنه: ماهیت حقوقی این سپرده، قرض‌الحسنه است و بانک وظیفه دارد (برای تأمین اهداف سپرده‌گذاران) پس از کسر ذخایر احتیاطی و قانونی، ماندهٔ این سپرده‌ها را به صورت تسهیلات قرض‌الحسنه اعطا کند.

ج. سپردهٔ پس‌انداز مبادله‌ای (با سود ثابت): ماهیت حقوقی این سپرده وکالت است. سپرده‌گذار، به بانک وکالت می‌دهد وجوه او را همراه وجوه دیگر این سپرده و سپرده‌های نوع «د» فقط از طریق عقود با بازده ثابت به کار گیرد و سود ثابتی به او بپردازد.

د. سپردهٔ سرمایه‌گذاری مبادله‌ای (با سود ثابت): ماهیت حقوقی و روش کار این سپرده، مانند سپردهٔ «ج» است.

هـ. سپردهٔ سرمایه‌گذاری مشارکتی (با سود متغیّر): ماهیت حقوقی این سپرده وکالت است. سپرده‌گذار به بانک وکالت می‌دهد سپردهٔ او را همراه با سپرده‌های دیگر سرمایه‌گذاری مشارکتی، از طریق شیوه‌های مشارکتی و غیره، اعطای تسهیلات کرده، در پایان دورهٔ مالی، سود واقعی را به دست آورد.

۴ـ۲. تخصیص منابع

بانک‌های جامع می‌توانند منابع حاصل از سپرده‌ها را پس از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی با رعایت ویژگی‌های سپرده‌ها، از طریق شیوه‌های قرض‌الحسنه، فروش اقساطی، فروش سلف، فروش دین، اجاره به شرط تملیک، جعاله، مشارکت حقوقی، مشارکت مدنی، و مضاربه، اعطای تسهیلات یا سرمایه‌گذاری مستقیم کنند.

برای رعایت دقیق ویژگی‌های انواع سپرده‌ها، بانک‌های جامع باید ردیف مشخّصی برای حساب‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه داشته باشند تا منابع آن فقط به مصرف قرض‌الحسنه برسد؛ چنان که باید برای حساب‌های پس‌انداز مبادله‌ای و سرمایه‌گذاری مبادله‌ای، ردیف خاصّی داشته باشند تا منابع آن دو فقط به اعطای تسهیلات از طریق عقود با بازده ثابت اختصاص یابد. بانک‌های جامع برای سهولت کار می‌توانند در شعبه‌های بزرگ از بخش‌های مستقل و جداگانه استفاده کنند چنان که می‌توانند شعبه‌های کوچک اختصاصی تشکیل دهند؛ برای مثال اگر بانک جامعی در یک شهر پنجاه شعبه دارد می‌تواند تعدادی از شعبه‌ها را به فعّالیت‌های قرض‌الحسنه و مبادله‌ای و تعدادی را به مشارکتی اختصاص دهد.

فعّالیت‌های بانک‌های جامع

تجهیز منابع			تخصیص منابع		
نوع سپرده	رابطهٔ حقوقی	سود	نوع تسهیلات	رابطهٔ حقوقی	سود
۱. سپردهٔ جاری	قرض بدون‌بهره	صفر	۱. قرض‌الحسنه	قرض‌الحسنه	کارمزد
۲. سپردهٔ پس‌انداز قرض‌الحسنه	قرض‌الحسنه	صفر	۲. فروش اقساطی	بیع	ثابت
۳. سپردهٔ پس‌انداز مبادله‌ای	وکالت عام	ثابت	۳. فروش سلف	بیع	ثابت
٤. سپردهٔ سرمایه‌گذاری مبادله‌ای	وکالت عام	ثابت	۴. فروش دین (تنزیل)	بیع	ثابت
۵. سپردهٔ سرمایه‌گذاری مشارکتی	وکالت عام	متغیّر	۵. اجاره به‌شرط تملیک	بیع ـ اجاره	ثابت
			۶. جعاله	جعاله	ثابت
			۷. مشارکت حقوقی	شرکت	متغیّر
			۸. مشارکت مدنی	شرکت	متغیّر
			۹. مضاربه	مضاربه	متغیّر
			۱۰. سرمایه‌گذاری مستقیم	—	متغیّر

انتخاب بهینهٔ نوع بانک

حال پرسش اساسی این است که هدف از ارائهٔ پیشنهاد انواع بانک‌های بدون ربا چیست.

تجربهٔ بیست‌سالهٔ بانکداری بدون ربا در ایران نشان می‌دهد که بانک‌ها در اجرای حقیقی عملیات بانکداری بدون ربا مشکل جدّی دارند و این مشکل از دو جهت عمده نشأت می‌گیرد: اوّلاً تعدّد و تنوّع عقود بانکی به ویژه در ناحیهٔ اعطای تسهیلات، باعث پیچیده و مبهم شدن عملیات می‌شود، و ثانیاً چنان که پیش‌تر توضیح دادیم، تعدّد و تنوّع عقود قانون عملیات بانکداری بدون ربا به اندازه‌ای است که همهٔ بانک‌ها نمی‌توانند همهٔ معامله‌ها را به صورت حقیقی اجرا کنند؛ برای مثال، بانک خصوصی تازه تأسیسی که فقط چند شعبه دارد، چگونه ممکن است انواع معامله‌ها فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، جعاله، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، سرمایه‌گذاری مستقیم و ... را که از جهت ماهوی به دو گروه به طور کامل متفاوت تقسیم می‌شوند و هر گروه، سازمان مالی و شیوهٔ حسابداری جداگانه‌ای دارند، به صورت حقیقی اجرا کند. از طرف دیگر توضیح دادیم که مشتریان بانک چه در جهت سپرده‌گذاران و چه در جهت متقاضیان تسهیلات، روحیات گوناگونی دارند و نظام بانکداری کنونی پاسخگوی همهٔ مشتریان با همهٔ روحیات نیست. بر این اساس، برای محدودکردن شیوه‌های عملیات اعطای تسهیلات، قابلیت دادن آن‌ها برای کنترل و نظارت واقعی و پاسخ دادن به تنوّع روحیات مشتریان، ضرورت دارد توسعهٔ کمّی و کیفی در نظام بانکی پدید آید و برای استفادهٔ بهینه، طبقه‌بندی ذیل پیشنهاد می‌شود.

۱. **بانک‌های قرض‌الحسنه:** چنان که از اسم این بانک‌ها پیدا است، با اهداف و روحیات خیرخواهانه و ایثارگرانه تناسب کامل دارند و می‌توانند ابزار سودمندی برای گسترش نهاد مقدّس قرض‌الحسنه و رفع مشکلات نیازمندان و وسیلهٔ مهّمی برای کنترل و رفع فقر و ایجاد توازن اقتصادی باشند و جامعه را از دام گناه بزرگ ربا و رباخواری برهانند.

۲. **بانک‌های مبادله‌ای با سود ثابت:** این نوع بانک‌ها، بهترین الگو برای بانک‌های خصوصی تجاری هستند؛ بانک‌هایی که در ابتدای کار، با دامنه‌ای محدود فعّالیت خود را آغاز می‌کنند و همه، اعمّ از مشتریان، صاحبان سهام بانک، و بانک مرکزی ترجیح می‌دهند فعّالیت‌های این بانک‌ها، ثبات و اطمینان قابل قبول داشته باشد. این نوع بانک‌ها برای بانک‌های دولتی تجاری که گسترده نیستند نیز الگوی مناسبی است. از جهت مشتریان نیز این نوع بانک‌ها برای سپرده‌گذاران ریسک‌گریز و متقاضیان تسهیلات مصرفی و متقاضیان تسهیلات سرمایه‌ای که به قبول شریک حاضر نیستند، مناسب است.

۳. بانک‌های مشارکتی با سود متغیّر: این نوع بانک‌ها، بهترین الگو برای بانک‌های تخصّصی است؛ بانک‌هایی که در حوزهٔ مشخّصی چون مسکن، صنعت، کشاورزی، معدن، صادرات و واردات، و بازرگانی فعّالیت می‌کنند. این بانک‌ها می‌توانند با استفاده از کارشناسان آشنا به بازار مربوطه و مسلّط به عملیات بانکداری، در حوزهٔ تخصّصی خود به سرمایه‌گذاری مستقیم، مشارکت حقوقی، مشارکت مدنی، و مضاربه اقدام، و طرح‌های اقتصادی را از جهت توجیه اقتصادی و کنترل هزینه‌ها و درآمد نظارت کنند و در مواقع نیاز از شیوه‌های مکمّل فروش سلف و اجاره به شرط تملیک بهره ببرند.

از جهت مشتریان نیز این نوع بانک‌ها برای سپرده‌گذاران ریسک‌پذیر و متقاضیان تسهیلاتی که در جست‌وجوی شریک واقعی برای فعّالیت اقتصادی هستند، مناسب است.

۴. بانک‌های جامع: این بانک‌ها که در بردارندهٔ همهٔ انواع سپرده و همهٔ انواع تسهیلات بانکی هستند، برای بانک‌های دولتی بزرگ چون بانک ملّی ایران مناسب است که دارای دامنهٔ فعّالیت گسترده بوده، در همهٔ زمینه‌ها فعّالیت می‌کنند.

منابع

۱. امام خمینی، سید روح‌الله: تحریر الوسیله، ج ۱، قم، جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم، ۱۴۱۶ ق.

۲. امامی، حسن: حقوق مدنی، ج ۲، تهران، کتابفروشی اسلامیه، چهاردهم، ۱۳۷۷ ش.

۳. بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم: ربا، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱ ش.

۴. ضیائی، منوچهر: مجموعه قوانین پولی و بانکی، ج ۲، تهران، مؤسّسهٔ تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۲ ش.

۵. طباطبایی، سیّد محمّدحسین: تفسیر المیزان، ج ۲، بیروت، مؤسّسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ ق.

۶. عاملی، حرّ: وسائل الشیعه، ج ۱۲، تهران، المکتبة الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.

۷. مجلسی، محمّدباقر: بحار الانوار، ج ۱۶، تهران، المکتبه الاسلامیه، سوم، ۱۳۷۴ ش.

۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران: تفسیر نمونه، ج ۴، تهران، دار الکتب الاسلامیه، هفدهم، ۱۳۷۳ ش.

۹. موسویان، سیّد عبّاس: بانکداری اسلامی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، دوم، ۱۳۸۰ ش.

۱۰. هاشمی شاهرودی، سیّد محمود: مجموعه مقالات دومین سمینار بانکداری اسلامی، تهران، مؤسّسه عالی بانکداری، ۱۳۷۰ ش.